

بررسی ویژگیها، قابلیتها و دلایل موفقیت شرکتهای بیمه تعاونی در دهه اخیر

کامیاز پیکارجو^(۱)

چکیده

این مقاله سعی بر آن دارد تا پنجره‌ای تازه بر روی فعالیتهای شرکتهای بیمه تعاونی طی دو دهه اخیر و دلایل موفقیت آنها در چهار بازار بزرگ جهانی بگشاید. واقعیت آن است که شرکتهای بیمه تعاونی به دلیل ساختاربندی و تشکیلات خاص خود با اتکا بر مباحثی نظیر حداقل سازی تضادها بین سهامداران و بیمه‌گذاران و مدیریت و سهامداران، وجود فرضیه تصمیم‌گیری در مدیریت (مدیریت مشارکتی)، غیبت (وجود نداشتن) سهامداران به شکل شرکتهای سهامی و ... و همچنین حمایت بی دریغ سازمانهای بین‌المللی به خصوص سازمان جهانی تعاونی و سایر مراکز در سالهای اخیر به خصوص در سال ۱۹۹۷ توانسته است جایگاه خاصی را نصیب این نوع شرکتهای کنند و لذا این موفقیتها زمینه ساز حرکت تعاونی سازی به خصوص در قسمت استانها و شهرهای کوچک از یک طرف و از طرف دیگر تعاونی سازی بسیاری از شرکتهای مشهور سهامی بیمه‌ای به منظور کاهش زیان یا هزینه‌ها، معافیت از مالیات، تحت حمایت سازمانهای بین‌المللی بودن در خصوص رقابت و ... شود. لذا این مقاله برای پاسخ‌گویی و تشریح تمامی مسائل فوق به شکل نسبتاً مبسوطی در مقابل سایر مقالات منتشر شده در این زمینه تهیه و تقدیم می‌شود.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی و مشاور گروههای پژوهشی اموال و مسؤلیت مرکز تحقیقات بیمه‌ای بیمه مرکزی ایران.

واژگان کلیدی

شرکت بیمه تعاونی (MIC)، سهامداران، بیمه‌گذاران، تئوری واسطه‌گری بیمه (عاملیت)، فرضیه تصمیم‌گیری مدیریتی، فرآورده‌های بیمه عمر، بیمه نامه‌های سنتی

مقدمه

به طور کلی واژه تعاونی فقط مربوط به مالکیت مشاع نیست، بلکه نوعی از مالکیت است که نه جنبه دولتی و نه جنبه خصوصی دارد. در صنعت بیمه جهان علاوه بر شرکت‌های بیمه دولتی و خصوصی، شرکت‌های بیمه تعاونی نیز فعالیت می‌کنند. این شرکتها برخلاف شرکت‌های بیمه خصوصی که در جست و جوی کسب سود بیشتر برای پرداخت به سهامداران خود هستند، بیشتر سعی می‌کنند که از ورود زیانهای احتمالی به سهامداران که خود بیمه‌گذاران هستند جلوگیری کنند و یا لاقلاً آن راکاهش می‌دهند. بر طبق تعریف شرکت‌های بیمه تعاونی اجتماعی از افراد هم شغل و یا وابسته به یک صنف هستند و اعضای آن هم بیمه‌گر و هم بیمه‌گذارند.

این شرکتها در واقع انجمنهایی هستند که برای حمایت اعضای هم شغل تشکیل می‌شوند و مشخصاتی خاصی دارند، نظیر: دریافت سهم بیمه متغیر، ارائه خدمات با کمترین کارمزد (کارمزد واسطه‌ها در این شرکتها نزدیک به صفر است)، تقسیم مازاد درآمد در پایان سال مالی بین اعضا (بیمه‌گذاران) و ... [۱]. البته شرکت‌های بیمه تعاونی^(۱) می‌توانند در اشکال مختلف ثبت و اداره نشوند، مثلاً ممکن است یک شرکت بیمه تعاونی تماماً به صورت تعاونی اداره نشود، بلکه ترکیبی از یک شرکت بیمه تعاونی صرف و یا یک شرکت بیمه سهامی باشد (این امر بدان معناست که لازم نیست بیمه شدگان یا بیمه‌گذاران تنها سهامداران آن شرکت باشند). در بعضی از اشکال این شرکتها امکان دارد رابطه اعضا با شرکت بیمه تعاونی خود تنها از طریق یک بیمه نامه باشد و شرکت بیمه تعاونی بدون کنترل از طریق گروهی اداره شود یا بر عکس ممکن است شرکتی با دخالت و نظارت اعضا توأم باشد و به نظام و حرکت تعاونی موجود در یک کشور متصل باشد و در قالب آن به فعالیتها و راهبری واکنش نشان دهد [۲]. تاکنون مقالات متعدد و مختلفی در مورد شرکت‌های بیمه تعاونی به چاپ رسیده است. لذا در این مقاله صرف نظر از ارائه توضیحاتی که پیشتر در مقالات به چاپ رسیده در شماره‌های

مختلف فصلنامه به خصوص به قلم استادان بزرگوار پیشرو در این موضوع آقایان دکتر ایرج علی‌آبادی، دکتر جانعلی محمودصالحی و دکتر غلامحسین جباری ذکر شده است، با دیدگاه جدیدی سعی در بررسی مسائل موجود در داخل شرکتهای بیمه تعاونی خواهد شد [۴۳].

۱. بررسی دلایل موفقیت تاریخی بیمه گران تعاونی

به طور کلی مالکیت بیمه تعاونی در صنعت بیمه نقشی بی‌بدیل دارد. امروزه برجسته‌ترین نقش در بین شرکتهای بیمه تعاونی در گستره جهانی از آن شرکتهای بیمه تعاونی است که در مقایسه با شرکتهای بیمه غیرتعاونی همتراز خود، نقش متمایزی دارند. طی تحقیقات انجام گرفته در امریکا، شرکتهایی که دارای مالکیت تعاونی هستند درآمدهایی بیش از سایر شرکتهای همتراز خود دارند. این امر به شرکتهای تعاونی نیز قابل بسط و گسترش است یعنی این که در میان شرکتهای تعاونی، شرکتهای بیمه تعاونی بیشترین منافع و درآمد را دارند. در سال ۱۹۹۹ سه شرکت بزرگ بیمه تعاونی در امریکا یعنی پرادنشیال^(۱)، متروپولیتین لایف^(۲) و استیت فارم^(۳) تواماً دارایی معادل نیم تریلیون دلار داشته‌اند. در امریکا جز فورد^(۴)، جنرال موتورز^(۵) و جنرال الکتریک^(۶) هر یک از بیمه گران تعاونی داراییهایی بیش از سایر شرکتهای فعال در صنعت بیمه امریکا دارند [۵].

به طور کلی در شرکتهای بیمه، هزینه کنترل از طریق تمرکز بر فعالیت کارگزاران بیمه‌ای با توجه به تغییراتی که در اوضاع و احوال بازارها از حیث رقابت و تکنولوژیهای جدید پیش می‌آید، تولید نوعی درد سر و مغایرت می‌کند. لذا هر شرکت بیمه‌ای که قابلیت تطبیق پذیری بیشتر با اوضاع و احوال پیرامون خود - چه در داخل شرکت و چه در خارج از شرکت - داشته باشد، گوی سبقت را در میدان رقابت از دیگر رقبای خود می‌ریابد. تفاوت در اشکال مالکیت شرکتهای بیمه یکی از مواردی است که تطبیق پذیری بهتر وضعیتها را برای یک شرکت مشخص می‌کند. اشکال سهامی یا تعاونی بیمه

1. Prudential.

2. Metropolitan.

3. State Farm.

4. Ford.

5. General Motors.

6. Genreal Electric.

از حیث مالکیت، هر یک مکانیسمی برای کنترل تضادهایی است که در شرکت وجود دارد و بدین ترتیب با استفاده از این مکانیسم‌ها، محدودیت در توانایی قسمت‌ها در فرصتهای ایجاد شده را می‌توان نشان داد. تشخیص منبع تضاد در هر شرکت بیمه یکی از مهم‌ترین کارها قبل از تشخیص این مسئله است که آیا شرکت بیمه در حال تأسیس باید به طور تعاونی یا سهامی اداره شود. لذا بررسی سه عامل کلیدی در یک شرکت بیمه ضروری است. این سه عامل عبارتند از: (۱) مدیریت (۲) سهامداران یا مالکان (۳) بیمه‌گذاران.

در یک شرکت بیمه، مدیران هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه شرکت بیمه باید سازماندهی و ساماندهی شود، وضعیت مالی آن طراحی شود و فعالیت کند. سهامداران یا مالکان کسانی هستند که سرمایه مورد لزوم برای تأسیس و فعالیت یک شرکت را با خود به شرکت می‌آورند و بیمه‌گذاران حق بیمه‌ای به ازای مسأله مورد بیمه می‌پردازند. بیمه‌گران سهامی و تعاونی اختلافات اساسی با یکدیگر دارند. از اساسی‌ترین این اختلافات می‌توان به این امر اشاره کرد که شرکتهای بیمه سهامی بیمه‌گذاران^(۱) و سهامداران^(۲) (مالکان) دو گروه مجزا هستند در حالی که در شرکتهای بیمه تعاونی این دو گروه تنها یک گروه هستند (شکل ۱).

شرکت بیمه سهامی، یک شرکت با شکل استاندارد است که سه عامل کلیدی مذکور را در خود و در کنار یکدیگر دارد. در حالی که در شرکت بیمه تعاونی تنها دو عامل یعنی مدیریت و بیمه‌گذاران وجود دارند. تئوری واسطه‌گری بیمه^(۳) اشاره بر این امر دارد که در شرکتهای بیمه سهامی دو منبع تضاد وجود دارد.

(۱) منبع تضاد بین مدیریت و سهامداران.

(۲) منبع تضاد بین سهامداران و بیمه‌گذاران.

اما در شرکتهای بیمه تعاونی به دلیل آن که سهامداران و بیمه‌گذاران هر دو یکی هستند منبع تضاد دوم از بین می‌رود و اگر مدیران نیز از میان خود بیمه‌گذاران انتخاب شوند (با شرط آن که در بین بیمه‌گذاران کسانی باشند که دانش و لیاقت تصدی پست مدیریت را داشته باشند) آن‌گاه منبع تضاد اول نیز از بین می‌رود. البته در کمتر شرکت

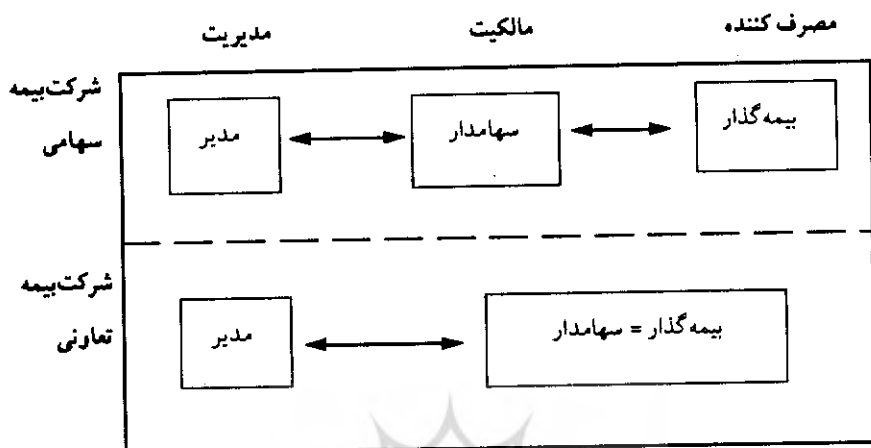
1. Policy holders.

2. Stock holders.

3. Agency Theory.

بیمه تعاونی منبع تضاد اول حذف می‌شود [۶].

شکل ۱. وجوه تمایز بین شرکت بیمه سهامی و تعاونی



۲. تضاد مالکان، سهامداران و مصرف کنندگان یا بیمه گذاران

مدیریت یک بیمه‌گر شامل بعضی ملاحظات در خصوص تغییر در تقسیمات، سیاست‌گذاری‌های مالی و سرمایه‌گذاری در راه کسب سود بیشتر برای سهامداران به ازای هزینه بیمه گذاران است. برای مثال، اگر شرکت بیمه سود سهام زیادی را به سهامداران بپردازد آن‌گاه بیمه گذاران در خواهند یافت که مقدار ریسک افزایش یافته است چراکه بیمه‌گر در مقابل آنان توانایی تعهد زیادی نخواهند داشت. به هر حال تجربه نشان داده است که تغییر در ماهیت شرکت بیمه‌گران تعاونی آنان را در جهت تمرکز بیشتر بر افزایش بازده آنان در حق صاحب سهم و بهبود بازده سهامداران پیش می‌برد و همچنین این تأیید، اغلب سبب یک کاهش در توان بازپرداخت آنان می‌شود. بدین ترتیب شرکت بیمه تعاونی، تضاد بین سهامداران و بیمه گذاران را تعدیل می‌کند. لذا از ادغام مالکان و بیمه گذاران در یکدیگر و حذف گروه سهامداران غیر وابسته به بیمه گذاران، مالکیت تعاونی بیمه توانسته است اولویتها و حق تقدم‌ها را از راه کسب سود بیشتر سهامداران ثالث به کاهش خسارت و افزایش سود بیمه گذاران تغییر دهد [۷].

۳. تضاد بین مدیریت و سهامداران (مالکان)

جداسازی جدی بین سهامداران (مالکان) و مدیران می‌تواند سبب افزایش ارتباط بین گسترش آن قسمت از تصمیم‌گیری مدیریت که ممکن است بنابر علایق خود منافع مالکان بنگاه را دنبال کند، شود. در شرکت‌های بیمه سهامی اگر بنگاه، به طور منظم و متشکل با بازار برخورد داشته باشد، در چارچوب توانایی مدیریتی، مدیران آن بنگاه خواهند توانست در نهایت با استخدام نیروی کار و انتقال مزایای نقدی و جنسی (مانند سهام) و انجام تجزیه و تحلیل‌های مالی از کاهش قیمت سهام جلوگیری کنند و منافع سهامداران را به بهترین نحو ممکن به حداکثر برسانند. به طور معمول با افزایش قیمت‌های سهام و کسب سود بیشتر توسط سهامداران این مدیریت است که سهمی از سود به دست آمده را از شرکت و سهامداران مطالبه می‌کند، خواه به صورت نقدی خواه سهام، بدین ترتیب مدیریت با وجود حراست از حق سهامداران خود طالب حق از سود است لذا یک تضاد منافع بین این دو گروه نیز در شرکت سهامی به وجود می‌آید [۸]. از طرفی پیگیری مدیریت در جهت پرهیز از یأس و ناامیدی سهامداران در شرکت بسیار موثر است. تجزیه و تحلیل‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ سازمانی تقریباً نمایانگر وضعیت مدیریت و شرکت بیمه است. اگر قیمت سهام آن کاهش یابد، بنگاه‌های دیگر ممکن است با خرید سهام شرکت صاحب آن شوند و مدیریت آن را نیز عوض کنند.^(۱) از طرف دیگر، اگر ارزش سهام یک بیمه‌گر تجاری افزایش یابد، مدیریت سهام بیشتری از سود نسبت به مالکان یا سهامداران شرکت خواهد برد. این امر بدان معناست که مدیران خود اولین اشخاصی هستند که از سود شرکت منتفع می‌شوند ولیکن باز نارضایتی هر یک از دو گروه از سهم دریافتی به صورت نوعی تضاد در منافع در بطن شرکت وجود خواهد داشت. بر عکس، بیمه‌گران تعاونی وابسته به موضوع فعالیت بیمه‌ای خود نمی‌توانند به طور ضعیف و با سرمایه‌های بسیار اندک و غیرمعمول شروع به کار کنند چرا که عاقبت این کار، راهی جز ورشکستگی و مال باختگی نیست.

در شرکت‌های بیمه تعاونی معمولاً بیمه‌گذاران از مسائل مالی اطلاع چندانی ندارند و با اطمینان در خصوص چگونگی رهبری و اداره شرکت قادر به صحبت نیستند. لذا

۱. اقتصاددانان این امر را «حفظ سهم بازار یا کنترل عملکرده» می‌نامند.

مدیریت تنها عاملی است که می‌تواند شرکت را اداره و راهبری کند. مدیریت در این نوع از شرکتهای بیمه با بازار غیرموثر مالی مواجه است و برای کنترل شرکتهای راههای متفاوتی را در پیش رو دارد، برای مثال مخالفت با خرید اکثر سهام شرکت توسط دیگر شرکتهای، افشاگری از زد و بندهای دلالی و ... نتیجه آن که برتری شرکت بیمه تعاونی نسبت به سایر انواع شرکتهای بیمه این است که در گام نخست تضاد بین سهامداران و بیمه‌گذاران وجود ندارد و دیگر آن که در کوتاه مدت، تضاد بین سهامدار و مدیر در حداقل خود قرار دارد ولی در بلندمدت این تضاد به چگونگی اداره، راهبری و ... وابسته خواهد بود.

۴. فرضیه تصمیم‌گیری مدیریتی در شرکتهای بیمه تعاونی و سهامی

آقایان مایرز و اسمیت^(۱) برای نشان دادن مسأله جدید در شرکتهای بیمه (که بعدها این خود به عنوان وجوه اختلاف مدیریت در دو نوع شرکت مورد بررسی قرار گرفت)، تعریف جدیدی را در چارچوب تئوری واسطه‌گری بیمه به نام فرضیه «قدرت تصمیم‌گیری مدیریت»^(۲) ارائه کردند. این فرضیه بیانگر این بود که پرکردن جای خالی محدودیت در کنترل - که بیمه‌گران تعاونی بیشتر از سایر بیمه‌گران آن را تجربه کرده‌اند - سبب شده است تا این بیمه‌گران به سمت تخصصی سازی هر یک از رشته‌های بیمه‌ای بازرگانی در هر جایی که مدیریت یا محدودیت با قدرت تصمیم‌گیری مواجه است، گرایش یابند. شرکتهای بیمه سهامی بر عکس، بیشتر تأکید خود را بر رشته‌های بیمه‌ای که به قدرت تصمیم‌گیری بیشتری احتیاج دارد، قرار می‌دهند. تحقیقات تازه‌ای که بر روی بازار بیمه‌های اموال و حوادث در امریکا انجام گرفته است بیان می‌کنند. که این تغییر استراتژی در شرکتهای سهامی به سمت شرکتهای تعاونی می‌تواند در کوتاه مدت برای آنها سودمند باشد. این تحقیقات همچنین بیان می‌کند. که عملکرد سهام در یک محدوده جغرافیایی بزرگتر، اساس متفاوتی دارند. بدین ترتیب گوناگونیهای موجود در محدوده‌های جغرافیایی احتیاج مبرمی به قدرت تصمیم‌گیری مدیریت و حفاظت از تخصیص درست منابع دارد [۹].

آقایان لام - تنانت و استارکس^(۱) از طریق بیمه‌گری ریسک، رفتار بیمه‌گران اموال و حوادث را مورد بررسی و آزمون قرار دادند. آنها دریافتند که با کنترل ابعاد بنگاه، شرکت‌های بیمه سهامی نسبت خسارت متغیر و بزرگتری را در مقام مقایسه با شرکت‌های بیمه تعاونی دارند. در بین عریض‌ترین خط مشی‌های تجاری، آنها دریافتند که بیمه‌گران تعاونی به طور مشخص تمرکز بیشتری بر مخاطرات چندگانه مالکان منازل، مسؤلیت اتوموبیل و زیان مالی اتوموبیل می‌کنند. در صورتی که بیمه‌گران سهامی بیشتر بر جبران خسارت کارگران و مسؤلیت دیگران تکیه دارند. بر طبق تمام گفته‌های فوق، بیمه‌گران سهامی بیشتر عملیات تجاری خود را در خط مشی‌های صدور حق بیمه توام با ریسک بیمه‌گری بالا^(۲) انجام می‌دهند. اگر ریسک‌های بیمه‌گری بزرگ‌تر باشند به رفتار تحت اختیار بیشتری احتیاج خواهد بود که این یافته‌ها قضیه قدرت تصمیم‌گیری مدیریت را تقویت می‌کند [۱۱۰ و ۱۱].

۵. غیبت (وجود نداشتن) سهامداران در شرکت‌های بیمه تعاونی

بعضی از مشاهده‌کنندگان و محققان در عرصه بازار بیمه (صنعت بیمه) جهانی که نوعاً نمی‌توانند مسؤلیت بیمه‌گران تعاونی را در کنترل تضاد بین بیمه‌گذار و سهامدار و حتی خلاف این تضاد تصور کنند، اغلب منافع دیگری را برای بیمه‌گران تعاونی مطرح می‌کنند که این منافع خود به نوعی همان مسؤلیت را مطرح و در اذهان تداعی می‌کنند. یکی از این موارد که نسبت به سایرین اهمیت بیشتری دارد غیبت یا وجود نداشتن سهامداران است. برای متقاعد سازی سهامداران یک شرکت بیمه باید راهی را در جهت تقسیم سود بین آنها یافت. اما بیمه‌گران تعاونی با چنین پافشاری رویه رو نیستند و به دلیل آن که بیمه‌گذاران و بیمه‌گران هر دو یکی هستند، انعطاف‌پذیری بیشتری در تعیین قیمت‌های حق بیمه‌های صادر شده خود دارند. در بعضی از صنایع بیمه‌ای دیده می‌شود که بیمه‌گران تعاونی عمر، پرداختی‌های بهتری رانیز به سهامداران خود داشته‌اند. البته وجود سهامداران ممکن است به دلیل قیمت‌گذاری سودمند در حق بیمه‌های صادره چندان

1. Lamm - Tennant and Starks.

۲. بوسیله واریانس نسبت خسارت اندازه‌گیری می‌شود.

الزامی نباشد، مع هذا این وجود سودمند است چرا که به هر حال در پایان سال مالی شرکت دچار سود یا زیان خواهد بود که باید هر چه زودتر تکلیف آن مشخص شود.

۶. محدودیتهای سرمایه در شرکت بیمه تعاونی

بیمه‌گران تعاونی بر عکس بیمه‌گران سهامی به راحتی نمی‌توانند سرمایه شرکت خود را به هر طریقی که ممکن است افزایش دهند. بیمه‌گران تعاونی تنها با پذیرش عضو جدید و قرضهای کوتاه مدت می‌توانند کسری سرمایه خود را جبران کنند و مسلماً قادر نیستند با انتشار سهام و یاسایر استراتژیهای دیگر به کسب سرمایه و افزایش آن پردازند. البته آنها اگر نخواهند می‌توانند بیمه اتکایی سایر موسسات بیمه‌ای اعم از دولتی، خصوصی و یا حتی تعاونی را نیز نپذیرند ولیکن این پذیرش برای شرکت تجمع ریسک را به همراه خواهد داشت که در این خصوص دقت بیشتر و حساسیت دقیق‌تری باید صورت بگیرد. بدین ترتیب با مشخص شدن این که رسالت اصلی شرکتهای بیمه تعاونی چیست و چه چیزی توضیح موفقیت تاریخی این نوع بیمه‌گران را مشخص می‌سازد، در این مقاله سعی بر آن شد تا وجوه قوت شرکت بیمه تعاونی در مقابل نوع دیگر شرکت بیمه یعنی شرکت بیمه سهامی در خصوص کاهش تضادهای بین سهامداران و بیمه‌گذاران، مدیریت و سهامداران مشخص و فرضیه‌های مختلف تصمیم‌گیری، محدودیتهای سرمایه و ... در این نوع از شرکتهای بیمه مشخص‌تر و واضح‌تر شود. حال برای اثبات موفق بودن این نوع از شرکتهای متکی بر استدلالهای ذکر شده به بررسی وضعیت شرکتهای بیمه تعاونی در جهان بر طبق آخرین آمار و ارقام مستند می‌پردازیم.

۷. بررسی وضعیت شرکتهای بیمه تعاونی در جهان

در دهه‌های اخیر شرکتهای بیمه تعاونی از جمله موفق‌ترین شرکتهای بیمه جهان بوده‌اند، دلیل صحت این گفته را می‌توان در بین سالهای ۱۹۹۵-۹۷ جست و جو کرد. در این دوران از بین ۱۰ بیمه‌گر بزرگ دنیا، ۶ بیمه‌گر تعاونی بوده‌اند. این شش بیمه‌گر بزرگ جهان در پنج بازار بزرگ مالی دنیا به فعالیت و رقابت با سایر شرکتهای بیمه و بیمه‌گران خصوصی و دولتی می‌پردازند. در سالهای ۱۹۹۵-۹۷ بیش از $\frac{3}{5}$ شرکتهای فعال در

بازارهای کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^(۱) را شرکتهای بیمه تعاونی تشکیل می‌دهند. در همین سال ۴۲ درصد تمامی حق بیمه‌ها توسط بیمه‌گران تعاونی صادر شده است.

در سالهای پیش از سال ۱۹۹۵ سهم بازار بیمه‌گران تعاونی در رشته‌های عمر و درمان به دلایل مختلف سیاسی دچار کاهش ۴ درصدی در سطوح بین‌المللی شد. این کاهش به طوری بود که در همان سالها تنها در انگلستان سهم بیمه‌گران تعاونی از کل بازار از ۴۶ درصد به ۳۳ درصد کاهش یافت. اما مجدداً در سالهای پس از ۱۹۹۵ با گسترش روند تعاونی‌سازی در صنعت بیمه جهان این سهمها شروع به افزایش کرد (خصوصاً در کشورهای امریکا، انگلستان، استرالیا، کانادا و افریقای جنوبی). با بررسی دلایل گسترش روند تعاونی‌سازی به وجود دو نیرو در پشت پرده این گسترش پی برده می‌شود. این دو نیرو عبارتند از: رقابت، ادغام و تثبیت صنایع. تغییر در سلیقه‌های مصرف‌کنندگان و بیمه‌گذاران و همچنین تکنولوژی‌های جدید خود یکی از مسیبان اصلی ایجاد رقابت بین بیمه‌گران جهانی شد. از طرف دیگر آزادسازی مالی^(۲)، قیمتهای تعیین شده عادلانه و ایجاد مقدمات ادغام و تثبیت صنایع به خصوص در اروپا همگی زمینه‌ساز تعاونی‌سازی در سالیان مورد بررسی بود. این روند چنان قوی بود که شرکت سوئیس لایف^(۳) که یکی از بزرگترین شرکتهای بیمه‌گر عمر در سوئیس است با شرکت نوریچ یونیون^(۴) که پنجمین بیمه‌گر بزرگ انگلستان است در سال ۱۹۹۷ ادغام و به سمت تعاونی شدن پیش رفت. شرکت AMP نیز که بزرگترین بیمه‌گر عمر در استرالیا است با واگذاری سهام خود به سهامداران عام، اعلام کرد که سهامداران از این پس خود هم بیمه‌گر و هم بیمه‌گذار خواهند بود و بدین ترتیب بارقه‌های ایجاد شرکتی از نوع تعاونی یا تغییر شکل یافته شرکت AMP زده شد.

در سالهای ۱۹۹۷-۹۸ نیز پنج شرکت بیمه کانادایی به سمت تعاونی‌سازی پیش رفتند و نیمی از آنها سهام خود را در بازار فروختند و به سمت اداره بروکراتیک شرکت

1. Organisation of Economic Co-operation and Development (OECD).

2. Financial Deregulation.

3. Swiss Life.

4. Norwich Union.

خود (مبتنی بر اصول تعاونی) پیش رفتند. دو شرکت بیمه‌گر بزرگ عمر امریکا نیز در سال ۱۹۹۸ با تغییر در ساختار خود به سمت تعاونی سازی پیش رفتند. دو شرکت بزرگ افریقای جنوبی نیز اعلام کردند که در بین اکتبر ۱۹۹۷ تا جولای ۱۹۹۸ به سمت تعاونی سازی شرکت خود خواهند رفت. دومین شرکت بیمه‌گر بازنشستگی اسکاتلند^(۱) نیز در ژوئن ۱۹۹۹ اعلام تعاونی شدن کرد. این شرکت همچنین اعلام کرد که پس از تعاونی شدن به عنوان بخشی از گروهی موسوم به TSB لویدز پذیرفته خواهد شد. به هر حال کشمکشهای زیاد و تمایل شتابان شرکت‌های بیمه به تعاونی سازی در اکثر شرکت‌های بیمه در اقصی نقاط جهان می‌تواند نتایجی در آینده بازارهای بیمه‌ای داشته باشد. این نتایج عبارتند از:

- (۱) دامنه تعداد بیمه نامه‌های صادره این شرکت‌های بیمه افزایش خواهد یافت.
- (۲) بار خسارت‌های پرداختی شرکت‌ها کاهش می‌یابد.
- (۳) هزینه‌های اجتماعی بابت ایجاد وقایع به علت ذی نفع بودن افراد کمتر می‌شود.
- (۴) امکان دسترس به بازارهای بالقوه بیشتر می‌شود.
- (۵) فرصتها و تهدیدهای رقابتی جدید آتی بهتر شناسایی شود.
- (۶) اشتغال و خصوصاً خود اشتغالی افزایش می‌یابد.
- (۷) فرهنگ تعاونی به طور گسترده دامنه‌دارتر می‌شود و ...

در سال ۱۹۹۷، در بین ده شرکت بزرگ بیمه‌ای جهان، ۶ شرکت بزرگ بیمه تعاونی وجود داشته‌اند. در همین سال ۵۰ شرکت بیمه‌ای دنیا ۶ تریلیون دلار دارایی داشته‌اند که تقریباً نیمی از داراییهای صنعت بیمه جهان است. در این بین، ۲۱ شرکت از این ۵۰ شرکت، بیمه‌گران تعاونی هستند که جمعاً ۲/۶ تریلیون دلار دارایی دارند [۱۲].

با بررسی دقیق جدول ۱ مشخص می‌شود که از ده شرکت بزرگ بیمه‌ای جهان ۴ شرکت ژاپنی، ۳ شرکت اروپایی و ۳ شرکت امریکایی هستند. بدین ترتیب ۴ شرکت از ۶ شرکت تعاونی متعلق به ژاپن و ۲ شرکت تعاونی دیگر امریکایی است. همچنین ۱۰۷۴/۹ میلیارد دلار سهم شرکت‌های سهامی بیمه و ۱۴۳۱/۳ میلیارد دلار سهم بیمه‌گران تعاونی است. نتیجه آن که ۵۷ درصد سرمایه در بین ده بیمه‌گر بزرگ جهان

متعلق به بیمه‌گران تعاونی است [۱۳].

جدول ۱. ده شرکت بیمه‌ای (بیمه‌گر) در سال ۱۹۹۷

ردیف	شرکت	کشور	دارایی (میلیارد دلار آمریکا)	نوع مالکیت
۱	AXA	فرانسه	۴۰۷/۹	سهامی
۲	Nippon life	ژاپن	۳۲۳/۳	تعاونی
۳	Allianz	آلمان	۲۹۳/۷	سهامی
۴	Prudential Insurance	امریکا	۲۵۹/۵	تعاونی
۵	Zenkyoren	ژاپن	۲۴۵/۴	تعاونی
۶	Dai-ichi Mutual life Insurance	ژاپن	۲۱۹/۶	تعاونی
۷	Metro Politan life	امریکا	۲۰۱/۹	تعاونی
۸	American International Group	امریکا	۱۹۴/۴	سهامی
۹	Sumitomo life	ژاپن	۱۸۱/۶	تعاونی
۱۰	Prudential	انگلستان	۱۷۸/۹	سهامی

بدین ترتیب مشخص می‌شود که بیمه‌گری تعاونی در آسیا گامی فراتر از سایر نقاط جهان در سال ۱۹۹۷ گذارده است. این توفیق آن قدر ملموس است که در بین ده شرکت بیمه بزرگ جهان که بیش از نیمی از سرمایه‌های شرکت‌های بیمه جهان را در دست دارند، ۴ شرکت بیمه تعاونی ژاپنی بیش از ۴۰ درصد سرمایه را در بین ۱۰ شرکت بزرگ به خود اختصاص داده‌اند نتیجه دیگر آن که بیشترین توفیق در سال ۱۹۹۷ در بین شرکت‌های بیمه تعاونی مختص دو کشور ژاپن و آمریکا بوده است.

در این چارچوب اطلاعات منتشر شده توسط انجمن بین‌المللی بیمه تعاونی (AISAM)^(۱) حاکی از این امر است که در بین بیمه‌گران بزرگ آسیایی، بیمه‌گران تعاونی (که همگی بیمه‌گران ژاپنی می‌باشند) سرآمد می‌باشند. از ۲۳ بیمه‌گر بزرگ آمریکایی

شمالی ۱۱ بیمه‌گر تعاونی و ۱۲ بیمه‌گر دیگر سهامی هستند. در اروپا، تنها یکی از ۱۷ بیمه‌گر دارای سرمایه‌ای معادل ۵۰ میلیارد دلار است، این امر حاکی از آن است که بیمه تعاونی و عملیات بیمه‌گری تعاونی در اروپا توفیق چندانی نداشته است و بیشترین توفیق در این خصوص در آسیا و آمریکا بوده است (نمودار ۱).

در عرصه بازارهای بیمه جهان، پنج بازار بزرگ بیمه‌ای وجود دارند. این پنج بازار بزرگ بیمه‌ای به ترتیب متعلق به آمریکا، ژاپن، انگلستان، آلمان و فرانسه است. بر طبق آمارهای منتشر شده سهم حق بیمه‌های صادر شده توسط بیمه‌گران تعاونی در سال ۱۹۹۷ در بازار فرانسه ۱۶ درصد، آلمان ۲۳ درصد، انگلستان ۲۵ درصد، آمریکا ۳۴ درصد و ژاپن ۷۵ درصد بوده است. همچنین سهم حق بیمه‌های صادره توسط بیمه‌گران تعاونی در این پنج بازار به طور کلی ۴۲ درصد کل حق بیمه‌های صادره در سراسر بازارهای جهانی بوده است [۱۴].

بدین ترتیب در سه بازار از بزرگترین بازارهای بیمه‌ای اروپا، سهم بیمه‌های تعاونی از یک ششم به یک چهارم تغییر یافته است (از یک ششم در بازار فرانسه به یک چهارم در بازار انگلستان). بیمه‌گران تعاونی همچنین توانسته‌اند $\frac{1}{4}$ بازار بیمه‌ای آمریکا را در اختیار خود بگیرند و همچنین نزدیک به $\frac{3}{4}$ بازار ژاپن نیز در اختیار این نوع بیمه‌گران است. بدین ترتیب با بررسی وضعیت بیمه‌گران تعاونی در مقایسه با سایر انواع بیمه‌گران مشخص می‌شود که این بیمه‌گران از جهت کسب سرمایه و صدور حق بیمه توفیق‌های بسیار زیادی در سالهای پایانی قرن بیستم به دست آورده‌اند. این امر حقانیت این رشته را در عرصه جهانی با کسب بیش از $\frac{2}{5}$ سهم حق بیمه‌های صادره جهانی نشان می‌دهد.

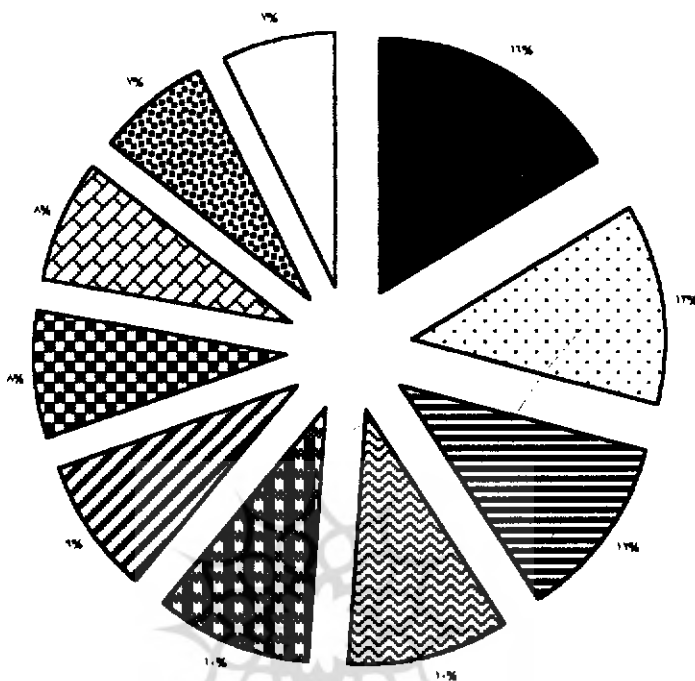
حال اگر بررسیها را دقیق‌تر کنیم باید بدانیم که در پنج بازار بزرگ بیمه‌ای، بیمه‌گران تعاونی در کدام یک از انواع رشته‌های عمر و درمان و یا اموال و حوادث توفیق بیشتر داشته‌اند و یا این که در کدام یک از این چهار رشته بیمه‌ای بیشتر فعالیت می‌کرده‌اند؟ برای بررسی این مسائل قبل از هر چیزی باید متذکر شد که در هر بازار با توجه به بافت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و به خصوص فرهنگی انواع رشته‌های بیمه‌ای مورد توجه خاص بیمه‌گران تعاونی بوده است. در پنج بازار بزرگ بیمه‌ای آمریکا، ژاپن، انگلستان، آلمان و فرانسه درصد سهم بیمه‌گران تعاونی از حق بیمه‌های صادر شده در سال ۱۹۹۷ به ترتیب در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. درصد سهم بیمه‌گران تعاونی از کل حق بیمه‌های صادر شده از پنج بازار بزرگ بیمه در سال ۱۹۹۷

ردیف	بازار بزرگ بیمه‌ای	عمر و درمان	اموال و حوادث
۱	امریکا	۳۵	۳۳
۲	انگلستان	۳۳	۸
۳	ژاپن	۸۹	۳
۴	آلمان	۲۶	۱۶
۵	فرانسه	۵	۳۷

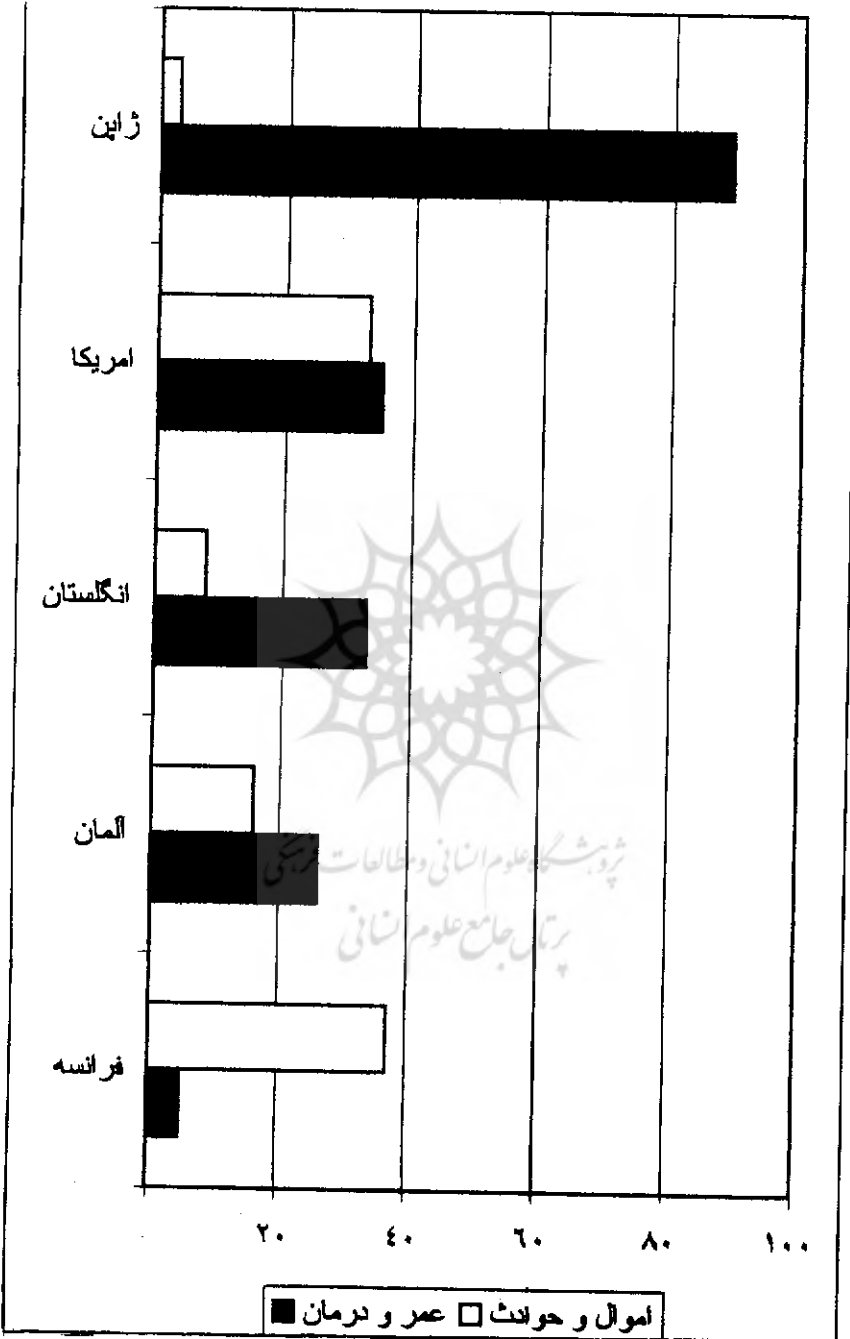
با توجه به جدول فوق مشخص می‌شود که در بازار بیمه‌ای ژاپن و انگلستان، بیمه‌های عمر و درمان بیشترین سهم را در مقایسه با بیمه‌های اموال و حوادث داشته‌اند و در این دو بازار سهم بیمه‌های اموال و حوادث بسیار کم بوده است. این امر بیانگر این است که بیمه‌گران تعاونی فعال در این دو بازار یا تمایل کمی به فعالیت در این دو رشته داشته‌اند و یا توانسته‌اند چنان که شاید و باید اقدام به فروش این نوع بیمه نامه کنند. در مقابل در فرانسه سهم بیمه‌های اموال و حوادث بسیار بیشتر از سهم قلیل بیمه‌های عمر و درمان بوده است. در امریکا و آلمان نیز بیمه‌گران تعاونی توانسته‌اند نقش معقولانه‌تری ایفا کنند. در این دو بازار، بیمه‌های عمر و درمان در مقابل حوادث و اموال چندان سهم زیادی ندارند و مقادیر سهم این دو گروه به هم نزدیک‌تر است (البته به دلیل سهم بزرگ بازار بیمه در این کشور سهام مطرح شده در هر دو گروه سهمهای بزرگ و عظیمی هستند). بدین ترتیب مشخص است منافع سازمانی که فعالیت بیمه‌گران تعاونی را در تجارت بیمه‌های عمر و درمان توضیح می‌دهد از آن خطوطی که مربوط به بیمه‌های حوادث و اموال می‌شوند، متفاوت است. البته الگوهای متفاوت تخصص در کشورهای مختلف بازتابی از مسائل قانونی، تاریخی و نیروهای سازمانی در تمامی این کشورهاست (نمودار ۲).

نمودار ۱. درصد سهم دارایی ۱۰ شرکت بزرگ بیمه جهان در سال ۱۹۹۷ (به تفکیک شرکت و کشور)



■	AXA (فرانسه)
□	NIPPON LIFE (ژاپن)
▣	ALLIANZ (آلمان)
▤	PRUDENTIAL INSURANCE (آمریکا)
▥	ZENKYOREN (ژاپن)
▧	DAI-ICHI (ژاپن)
▨	METRO POLITAN (آمریکا)
▩	AMERICAN INTERNATIONAL GROUP (آمریکا)
▪	SUMMITOMO LIFE (ژاپن)
▫	PRUDENTIAL (انگلستان)

نمودار ۲. درصد سهم بیمه‌گران تعاونی از کل حق بیمه‌های صادر شده از پنج بازار بزرگ بیمه در سال ۱۹۹۷



بدین ترتیب مشخص می‌شود که نقش انشعابهای بازرگانی بیمه‌گران تعاونی به خصوص در رشته‌های اموال و حوادث، خصوصیت‌های عمومی و مطلوبی داشته است. در سال ۱۹۹۷ مشهورترین بیمه‌گران تعاونی دنیا در زمینه بیمه اتوموبیل (بیمه اموال و حوادث) فعالیت می‌کرده‌اند. این بیمه‌گران تعاونی کمتر ریسک را در ارائه پوشش بیمه خود داشته و بنابراین به قدرت تصمیم‌گیری محدود شده مدیریت خود اتکا می‌کردند. در بازار بیمه‌های عمر و درمان نیز بیمه‌گران تعاونی بیشترین فعالیت را در زمینه بیمه‌های درمان و در تأمین فرآورده‌های بیمه عمر^(۱) داشته‌اند. اگر میزان عملکرد بیمه‌گران تعاونی را در چهار بازار آمریکا، انگلستان، آلمان و فرانسه در سال ۱۹۹۷ ارزیابی کنیم گفته‌های فوق بهتر قابلیت درک خواهند یافت. با توجه به آمارهای منتشره در مجله سیگما^(۲) سال ۱۹۹۹ مشخص می‌شود که در بازار بیمه فرانسه بیشترین فعالیت بیمه‌گران تعاونی در رشته اتوموبیل و سپس به ترتیب در زمینه اموال، حوادث و درمان، مسؤولیت عمومی و سایر موارد بوده است. در بازار بیمه آلمان، این بیمه‌گران به ترتیب در رشته‌های اتوموبیل، مسؤولیت عمومی، اموال، حوادث و درمان و سایر موارد مشغول به فعالیت بوده‌اند. در بازار بیمه انگلستان، بیمه‌گران در تمامی رشته‌های مذکور از سهم بسیار کمتری از کل بازار بیمه نسبت به سه بازار دیگر برخوردار بوده‌اند و در ۳ بازار رشته اتوموبیل، اموال و مسؤولیت عمومی بسیار نزدیک به یکدیگر و با حجمی قابل قبول توسط بیمه‌گران ارائه می‌گردیدند و بالاخره در بازار بیمه آمریکا بیشترین فعالیت بیمه‌گران تعاونی در رشته‌های حوادث و درمان و سپس اتوموبیل و اموال بوده است. همچنین با دقت بیشتر در آمارهای منتشر شده مشخص خواهد شد که در چهار بازار مورد بررسی فرانسه و آمریکا بیشترین نقش را در فعالیت بازاری بیمه‌گران تعاونی داشته‌اند و کمترین نقش در این خصوص متعلق به کشور انگلستان است (نمودار ۳) [۱۵].

حال اگر درصد سهم بیمه‌گران تعاونی را در سه بازار بیمه‌ای فرانسه، آلمان و آمریکا به طور دقیق‌تر بررسی کنیم، به نتایجی به این شرح خواهیم رسید که در سال ۱۹۹۷، در رشته‌های بیمه عمر، بیمه عمر مستمری^(۳)، بیمه درمان و سایر بیمه‌های عمر، بیشترین

1. Ordinary life Products.

2. Sigma.

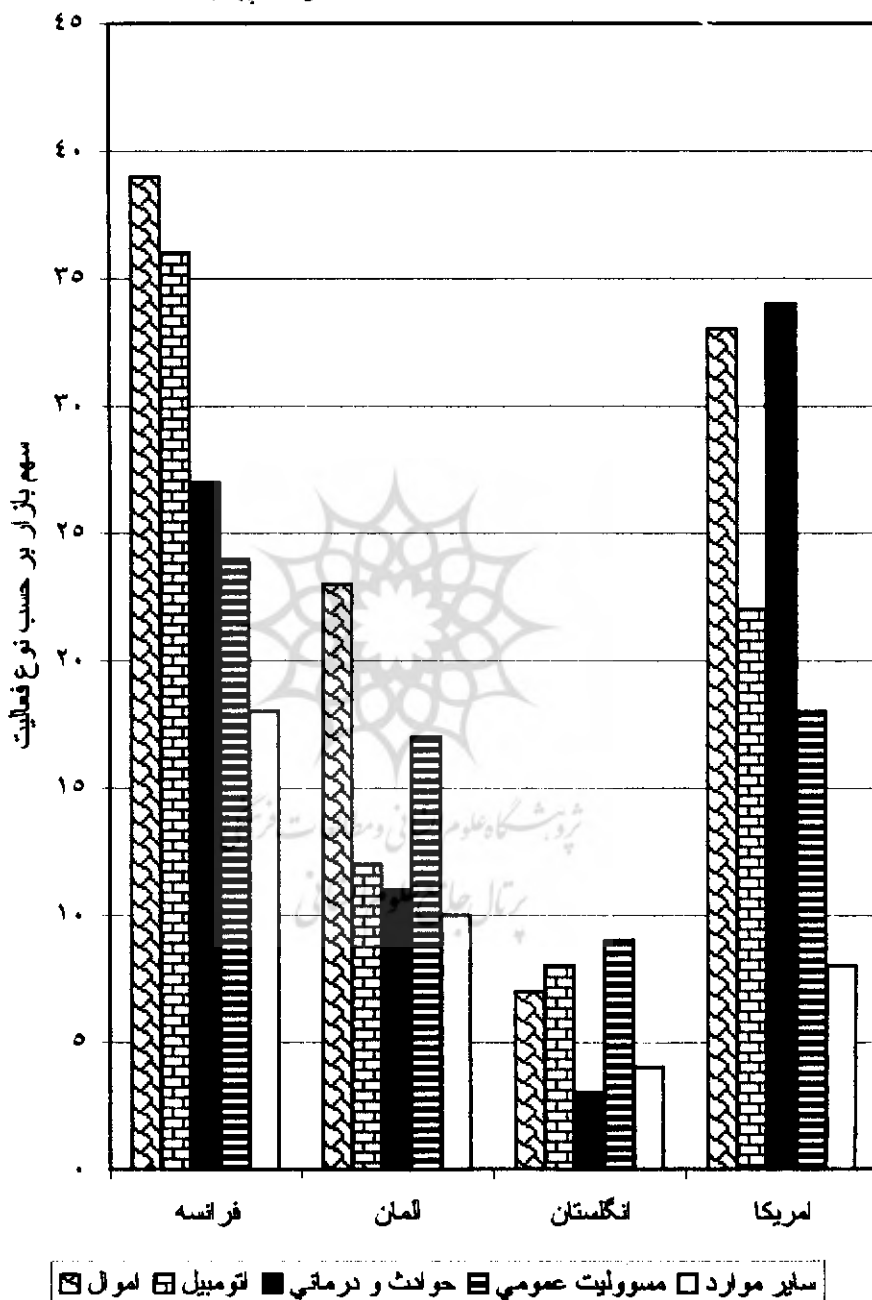
3. annuity.

نقش متعلق به بیمه‌گران تعاونی در بازار بیمه‌ای آمریکا و آلمان و سپس فرانسه بوده است. این امر بدان معناست که در بازار بیمه آمریکا بیمه‌گران تعاونی بیشترین نیروی خود را در ارائه پوششهایی به بیمه‌عمر، درمان و سپس بیمه‌عمر مستمری گذاشته‌اند. در بازار بیمه آلمان، بیمه‌گران مورد بحث بالاترین توان خود را در ارائه پوششی در رشته‌های بیمه درمان و عمر گذارده‌اند و بالاخره در بازار بیمه فرانسه، بیمه‌گران تعاونی بیشترین فعالیت را در رشته بیمه‌عمر مستمری و سپس در رشته عمر معمولی داشته‌اند (نمودار ۴).



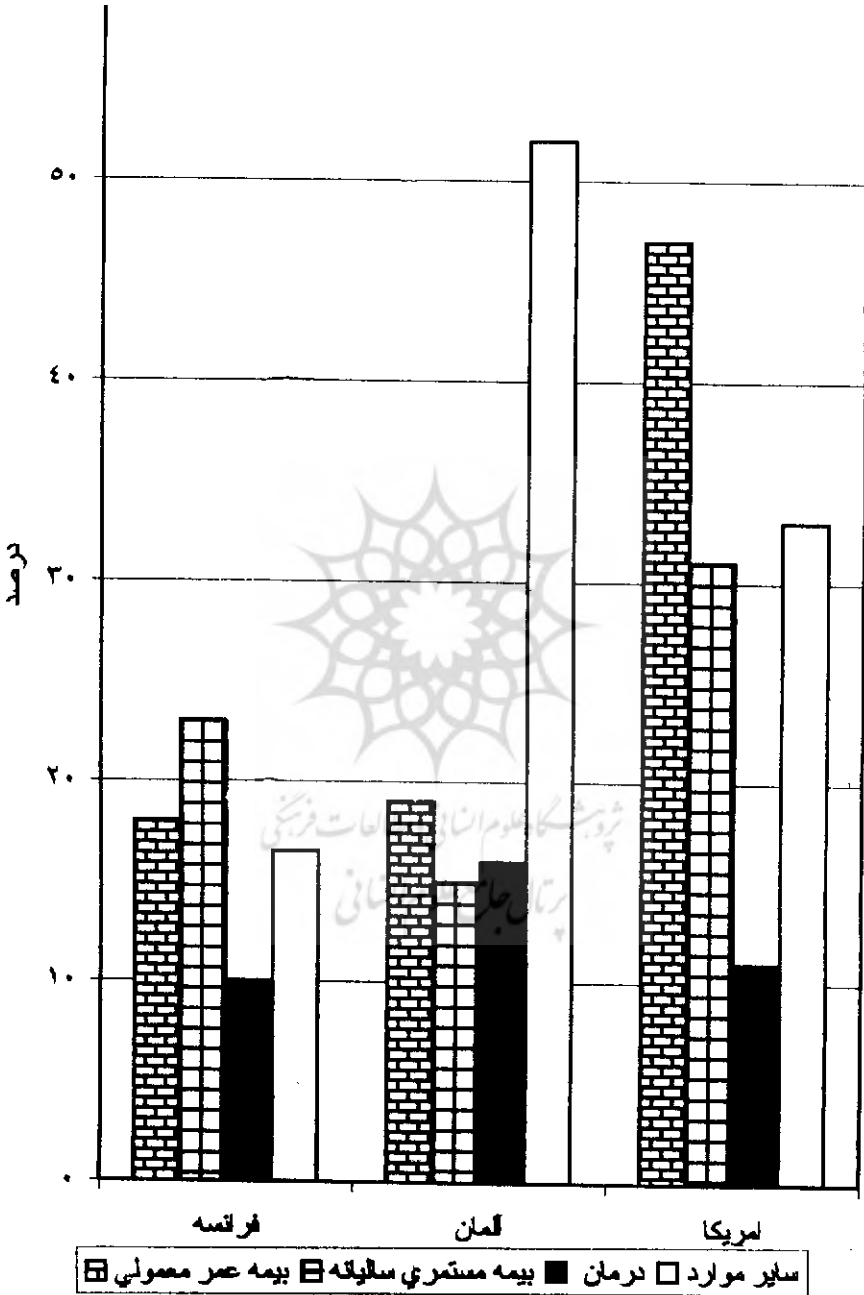
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار ۳. سهم بیمه‌گران تعاونی در چهار بازار بزرگ بیمه‌ای در سال ۱۹۹۷ بر حسب رشته‌های اتومبیل، اموال، حوادث و درمان و مسئولیت عمومی و سایر موارد.



نمودار ۴. سهم بیمه‌گران تعاونی در سه بازار بزرگ بیمه‌ای در سال ۱۹۹۷ به تفکیک رشته‌های بیمه‌ای

عمر، مستمری، درمان و سایر بیمه‌های عمر



نتیجه‌گیری

به هر حال نتیجه آن که با توجه به روند تکاملی فعالیت در رشته‌های مختلف بیمه‌ای در دو دهه اخیر شرکت‌های بیمه تعاونی یا بهتر بگوییم بیمه‌گران تعاونی توانسته‌اند با اتکا بر ویژگیهای خاص و بارز این نوع شرکت‌های بیمه در مقابل سایر انواع شرکت‌های بیمه در اغلب بازارهای بزرگ بیمه‌ای مقام اول را داشته باشند. این امر نشأت گرفته از بسیاری از مسائل و حمایت‌های درون و برون سازمانی از حیث نوع ساختاربندی خاص این شرکت‌ها بوده است (مثالهای مقایسه‌ای سال ۱۹۹۷ در بین چهار کشور بزرگ جهان ادله‌ای بر این گفته است). اما جز مسائل مذکور عواملی نیز به شرح زیر در موفقیت این گروه شرکت‌ها در دو دهه اخیر موثر بوده است.

مدیریت آینده‌نگر، تنها یک شرکت بیمه تعاونی را برای بقای خود در بازارهای محلی و بین‌المللی به عنوان شقی مطمئن و مطلوب از شقوق در دسترس خود می‌داند در این خصوص با توجه به تجارب شرکت‌های بیمه تعاونی مذکور در این مقاله می‌توان گفت که مدیران آینده‌نگر شرکت‌های بیمه تعاونی در برنامه‌ریزیهای آتی خود:

۱. می‌توانند یک شرکت بیمه تعاونی باقی مانده و به دانشی که بقای آن را در شرایط بازار رقابتی تضمین می‌کند دل خوش کند.

۲. یا این که به مالکیت سهامی تبدیل شوند.

بنابراین با توجه به این گفته‌ها شرکت‌های بیمه تعاونی موفق جهان که همگی از مدیریت آینده‌نگر استفاده می‌کنند، دو فرصت و ریسک را توأم دارند.

البته مالکیت شرکت‌های سهامی رقیب، سرمایه در دسترس را هر چند آسان‌تر به دست می‌آورند و آزادی بیشتری برای جذب سود دیگر بنگاهها دارند اما ریسک ورشکستگی و خسارت دیدن در دوران رقابت برای این شرکتها بیشتر محسوس است.

همچنین مسأله رهبری در شرکت بیمه تعاونی نقشی ارزنده و وزین دارد. رهبری برای سالها حق انتخاب عمل شرکت را در چارچوب‌های فکری عمل‌کننده به آن، تحت تأثیر قرار می‌دهد و البته بعضی از این رهبران شرکت‌های مذکور به طور مستمر در کمیته‌هایی با دید بلندمدت منافع و عیوب شقوق مختلف شرکت متبوع خود را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهند. مثال قابل درک در این خصوص در سالهای اخیر مشهورتر است چرا که موجی از پیشنهاد‌های تعاونی‌گرایی ایجاد شده است و این امر

بازتاب یک تصمیم توسط بعضی شرکتهای بیمه یا موسسان این شرکتهاست که فرصتهای انتقال مشخصی در خصوص ریسک موجود در فعالیت خود دیده‌اند. به هر حال تمامی این افراد با اتکا بر مدیریت آینده‌نگر و رهبران خلاق و کار آفرین و با آگاهی از دو اصل متشکل که در حکم نیروهایی هستند که بر شرکتهای بیمه تعاونی در جهت تجدید نظر در ساختار مالکیت آنها موثر بوده یعنی تثبیت و رقابت، توانسته‌اند تا مؤسسانی موفق در زمینه تأسیس شرکتهای بیمه تعاونی در دو دهه اخیر باشند.

عامل دیگر موفقیت این شرکتهای تطبیق خود با تغییر در علاقه‌های مصرف‌کنندگان بوده است. بیشتر از دو دهه است که تقاضای مصرف‌کنندگان برای خدمات بیمه از حالت بیمه نامه‌های سنتی^(۱) به فرآورده‌های مالی تغییر یافته است. این تغییرات سبب وقوع یک افزایش سریع در نرخهای بهره در سالهای ۱۹۸۰ و عملکرد عالی چندین بازار سهامی در دهه ۱۹۹۰ شد که این امر سبب شد تا بیمه نامه‌های تمام عمر سنتی به سرمایه‌گذاری‌های قابل مصرف دیگر و کمتر به سطح عملیاتی تبدیل شوند، به طوری که رشد انفجاری سرمایه‌های شرکتهای بیمه تعاونی بر این امر مهر تأیید گذاشت و بعضی از افراد تأکید خود را از پس‌انداز به سمت سرمایه‌گذاری در این نوع شرکتهای تغییر دادند.

بدین ترتیب علاوه بر شرایط جهانی، حمایت سازمان جهانی تعاون خصایص و ویژگیهای ساختاری، عوامل دیگری نیز بر موفقیت شرکتهای بیمه تعاونی در دو دهه اخیر موثر بوده است که مهم‌ترین آنها عبارت از وجود مدیریت آینده‌نگر، رهبران خلاق و نوآور و امکان تطبیق با تغییر در سلیقه‌های مصرف‌کنندگان است. بدین ترتیب در دنیای کنونی و آتی مشخص می‌شود که به همراه شرکتهای بیمه سهامی (اعم از خصوصی و دولتی)، شرکتهای بیمه تعاونی نیز توانسته‌اند با اتکا بر علم روز و حمایت‌های سازمانهای بین‌المللی رسالت اصلی خود یعنی بخش و گسترش فرهنگ و روحیه تعاونی و تعاونی‌سازی را به بهترین نحو ممکن انجام دهند و این امر در حکم هشدار برای شرکتهای سهامی بیمه است که اگر در این چارچوب رقابتی و خدمت‌رسانی غفلت کنند گوی سبقت را در مسابقه خدمت‌رسانی به جامعه می‌بازند.

منابع

۱. «بیمه متقابل در اروپا»، ترجمه مصطفی، نوری. فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، شماره ۳، سال ششم.
۲. علی آبادی، ایرج. «درباره بیمه تعاونی»، فصلنامه صنعت بیمه، بیمه مرکزی ایران، شماره ۲.
۳. علی آبادی، ایرج. «تعاونیهای بیمه»، فصلنامه صنعت بیمه، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، شماره ۱، سال پنجم.
۴. محمود صالحی، جانعلی. فرهنگ بیمه و بازرگانی، انتشارات شرکت سهامی بیمه ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۲، صص ۸۷-۸۸.
5. Henry Hansmann, "The Ownership Of Enterprise Cambridge", Harvar university Press, 1996.
6. Clifford, w.Smith, "On the Convergence of insurance and Finance Research", *journal of Risk and insurance*, 1986, PP. 693-717.
7. Arthur Fliegelman, Kevin W. Maloney and Rolbert L. Riegel, March of the Mutuels - A Riegel, March of the Mutuels - *A Rapidly Evolving World*, Moody's Investors Service, May, 1998.
8. Henry Manne, Mergers and the Market for Coporate Control, *journal of Political Economy*, 1965, PP. 20-110.
9. David Mayeee and Clifford W.Smith, "Ownership structure Across Lines of Property Casualty Insurance", *journal of law and Economics*, 1988, PP. 38-351
10. Joan Lamm-Tennant and Laura T.Starks, "Stock versus Mutual Owner ship structures: The Risk Implications", *Journal of Business*, 1993, PP. 29-46.
11. Stephan Paul Taylor- Gooby of Tillinghast- Towers Perrin, *Concerning the uk, in Demutualization in an Internatoinal Context*, Society of Actuaries Record, 1998, PP. 6-10.

12. Special Report: "World Business", *The wall street journal*, 28 September 1998.
13. *The wall street journal*, "1998 AXA Annual report and Calculations" , by authors.
14. CCA, BAV, Thesys, AM Best, IRI, and Calculations by Swiss Re *Economics Research & Consulting*, 1998.
15. Argus, GDV, "Insights and Calculations", by *Swiss Re Economics Research & Consulting*, 1998.
16. Conning and Company, "*Mergers & Acquisitions and Public Equity Offerings: Whole Lotta Shakin' Goin' On*", 1999, P.22-24.
17. Stephen Piontek, "Three Giant Mutuals Reject Demutualization", *National Underwriter*, 12 April 1985.